

الیه راجعون

حسین قدیانی

«باورمان نمی‌شود!» گمانم این جمله، نخستین واکنش همگان بود به خبری که «ناگهان» عصر «۹ دی ۹۵» همه‌جا را پر کرد! دیر نیست و دور نیست نوبت به ما هم برسد! نوبت رفتن! نوبت مرگ! نوبت آخرین نفس من و ما و شما! و دیگر تمام! خداحافظ دنیا! اینکه نوشتیم «خداحافظ دنیا» برای خالی نبودن عریضه در این متن بود و الا فریضه آن است که اول، خودم را و بعد، خودت را نهیب بزنم، با این پرسش اساسی: «اصلا از کجا معلوم، فرصت خداحافظی از دنیا را به ما بدهند؟!» تمام! بی‌خداحافظی! دارم مطلب می‌نویسم، ناگاه متوجه می‌شوم رشته‌ام! و مرده‌ام! تمام! وای که «مرگ» چقدر وحشتناک است! و چقدر آنچه فکر می‌کنیم از ما دور است، به ما نزدیک است! برای مرگ، کدامان آماده‌ایم؟! کسی تاب این بالاترین مرتبه شجاعت را دارد که دست خود را ببرد بالا؟! پس لطفا «پيام خدا» را بگیریم، پیش از آنکه «شراره مرگ» ما را در آغوش بگیرد! خداوند منان، گاه هست که از دل حوادث و اتفاقات، با ما سخن می‌گوید! و به ما پیام می‌دهد! چه بود حرف حساب خدا با ما، از دل آن رخداد یکشنبه‌شب؟! الا آنکه «حاسبو انفسکم، قبل ان تحاسبوا»؟! در «تحاسبوی آخرت» رفوزگی حتمی است، الا آنکه «حاسبوی دنیا» را مدنظر داشته باشیم! و «حاسبوی دنیا» حاصل نمی‌آید، الا آنکه از یاد نبریم «عفریت مرگ» از نفسی که می‌کشیم، به ما نزدیک‌تر است! همه ما روزی تبدیل به یک «اعلامیه» خواهیم شد روی دیوار مرگ! انا لله و انا الیه راجعون! تا حضرت عزرائیل برای ما غزل خداحافظی نخوانده، باشد که متنبه شویم از درس‌های روزگار! و فراموش نکنیم «دنیای» اگر آمدنی دارد، رفتنی هم دارد! من با «جشن تولد» هیچ مشکلی ندارم لیکن شمع هر کدام از ما، روی یک عدد، قفل می‌کند! و بالاتر نمی‌رود! خواه «هاشمی ۷۸» باشی و در نمازجمعه، فتنه را محکوم کنی و خواه «رفسنجانی ۸۸»، می‌آیند یک روز که دیگر نتوانی «خاطره» بنویسی! پس هان ای نفس که داری این متن را می‌نویسی! می‌آید آن روز که دیگر نتوانی متنی بنویسی! اگر «مبارز کهنسال» با آن همه «خاطرات» و آن همه تنبه و تذکر که ان‌شاءالله در مقوله سفر به دیار باقی داشت، دست آخر، ناگهانی رفتن تو باید اول آویزه دفتر تو باشد! ایستاده هست؟! آماده‌ای؟! اگر آماده‌ای، کو پس رفتار و گفتار متناسب با روز مرگ؟! و صدالبته روز بعد؟! روز خاکسپاری! روزی که با خاک، تسواری می‌کنند! روزی که یک روز هم از روز گذشته گذشته! روز غسل و کفن! آماده‌ای؟! آماده‌اید؟! آماده‌اند؟! بروید این نوشته را به دوستان، بلکه به دشمنان نشان دهید! عاقبت، نه این متن، که این «مرگ» گریبان همه ما را می‌گیرد! و حالا که اینگونه است، کاش پیش از آنکه مرگ، گریبان نفس ما را بگیرد، «حاسبوی دنیا» را جدی بگیریم و بگیریم بقیه این نفس سرکش را! در تمام این چند روز، عزیزی می‌گفت: «یاد مرگ، انی مرا رها نکرد!» خوش به حال جماعتی که خود یاد مرگ می‌کنند، پیش از آنکه مرگ، یادشان کند! خوش به حال مردان خدا! خوش به حال دیده‌های همیشه بارانی! و نماز شب‌خوان‌های آتجانتی! خوشی به حال آماده‌ها! خوش به حال کسانی که مرگ را، امری در «فق توهم» تصور نمی‌کنند! فکر نمی‌کنند «کو تا حالا نوبت ما بشه!» عن‌قریب، امر عظیم و عجیب و غریب مرگ، سراغ همه ما را خواهد گرفت! لحظه‌ای که دنیا هست و تو اما نیستی! لحظه‌ای! فقط یک لحظه! لحظه‌ای که قلم هست و کاغذ هم هست و سوزه هم هست و چند خطی هم اتفاقاً رفتی جلو، اما تو دیگر نایی برای نوشتن نداری! چرا که مرده‌ای! و تمام! یک ثانیه! ۲ ثانیه! سومین ثانیه مرگ! ۵ دقیقه بعد از مرگ! خبر تمام کردن نویسند! ناتمام ماندن نوشته! مردن من! ماندن دنیا! و فقط خدا می‌داند که چقدر مرگ به ما نزدیک است! نزدیک‌تر از زندگی! بروید بخوانید فراز ابتدایی سخنان حضرت آقا را در دیدار سال پیش با اعضای خبرگان! بروید بخوانید فراز پایانی پیام رهبر انقلاب را خطاب به دست‌اندرکاران! وای از آدمی، آن دم که به «مرض نسیان» دچار می‌شود! وای از «سرطان فراموشی»! بباییم این غده بدخیم را از جان خود جراحی کنیم!



تکسیر انبساطی در میدان وطن امروز

بدرقه بزرگوارانه

امت حزب الله با وجود گلایه از مواضع سال‌های اخیر در مراسم تشییع مرحوم هاشمی رفسنجانی سنگ تمام گذاشت

حماقت اپوزیسیون و درایت حزب‌الله
وداع بر دوش انقلاب

اما در میانه سه‌مهم خواهی‌های سیاسی و رقابت برای تصاحب میراث هاشمی‌رفسنجانی، این امت حزب‌الله بود که در فضای شبکه‌های اجتماعی مجلس ذکر خیر یار دیرین رهبر انقلاب را برپا داشت و با باز نشر حسنات هاشمی‌رفسنجانی انقلابی، اختلافات و انتقادات را در هر جامعه پویایی عقلانی ارزیابی کرد. حتی انقلابی‌ترها جلوتر از آن وارد گشت که در فضای داخل کشور نیز رفتار منتقدان یکسان نبوده است. گروهی به تاسی از اپوزیسیون خارجی کوشیدند که درگذشت هاشمی‌رفسنجانی برای کلاه سیاسی خود نمدی تهیه کنند و در این میان پروژه خروج از انزوا به علت بروز رفتارهای ضمدلی پیشین را کلید زدند. در سلسله اغلب اعضای این گروه با غرض از سرفصل‌های ترویجی این گروه بود که می‌کوشیدند درگذشت هاشمی را مساوی با سقوط انقلاب و از دست رفتن امید مردم معرفی کنند. به عنوان نمونه «رضا مرعشی» یکی از مدیران فارسی‌نابلد نایک در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: «خود آیت‌الله خمینی هم پیش‌تر گفته بود مرگ هاشمی مساوی با نابودی انقلاب است!»

کینه‌ورزان منافق
دسته دوم شامل معاندانی است که پرونده‌سازی ضد هاشمی و تخریب او به عنوان مدیری عالی‌رتبه در ایران را به واسطه بغض و کینه از انقلاب اسلامی حتی پس از درگذشت وی نیز ادامه داده و از هیچ پلشتی و بی‌حرمتی فروگذار نکردند که ان‌شاءالله هلهله خیانت‌آمیز دشمنان در مقابل پیکر بی‌جان هاشمی‌رفسنجانی، ذخیره آخرت باشد و سبب تعالی حسنات و درجانش شود. در این بخش نام «منافقین» و «صهیونیست‌ها» بیش از سایرین به چشم می‌خورد اما حقیقتا همکاری ارتش سایبری سعودی در توزیع محتوای فارسی و عربی ضد هاشمی‌رفسنجانی نشان از تغییرات محسوس در هیات حاکمه این کشور پس از مرگ عبدالله دارد. فقدان دیسپلین سیاسی در دربار سعودی را می‌توان در همکاری مشترک آنها با نیروهای مریم رجوی در به راه انداختن حمله تخریبی قابل تامل علیه هاشمی‌رفسنجانی که می‌کوشید نقش مثبتی

نگاه امروز
محمد واعظی: به لطف خداوند متعال و با مدیریت و همدلی امت شریف و ولایت‌مدار ایران اسلامی، مراسم تشییع رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام و یار دیرین رهبر انقلاب از دنیای فانی به آخرت باقی با شکوه و نظم کامل برگزار شد. همه آنها که خود را مدیون سابقه مبارزات هاشمی‌رفسنجانی از دوران ستمشاهی تا دوران دفاع مقدس و تلاش‌های وی در مسیر اعتلای انقلاب اسلامی می‌دانستند، در میدان حاضر شدند و همصدا با رهبر معظم انقلاب بخشایش الهی را برای هاشمی طلب کردند. ندای «عفوک عفوک عفوک» در مشایعت هر درگذشته‌ای، در میان بازماندگان انقلاب درونی ایجاد می‌کند چه رسد به آنکه ولی امر مسلمین برای یار دیرین خود ۹ بار بخشودگی ارحم‌الرحمن را با خلوص نیت خواستار شود. مرگ سرنوشت محتوم همه انسان‌هاست و خوشا به حال آنان که پیش‌تر توشه برگزینند و اینگونه با خیر خواهی همگانی راهی معرکه دادرسی نهای شوند.

رصد مجازستان
اما آنچه در خیابان‌های پایتخت در بدرقه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی با حضور پرشور مردم و مسئولان رقم خورد دربرگیرنده واکنش‌های پیشین اهالی مجازستان جهانی به درگذشت رئیس‌جمهور اسبق ایران نیست. دیدگاه‌های پیرامون درگذشت هاشمی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:
۱- انقلابیون و حامیان نظام جمهوری اسلامی: واکنش‌ها بسا بهت و ناباوری مردم در فضای شبکه‌های اجتماعی آغاز شد و با احترام و تجلیل از مقام و منزلت خدمتگزار قدیمی انقلاب اسلامی ادامه یافت. تقریباً می‌توان گفت در ۳۰ ساعت اول شیوع خبر تکان‌دهنده درگذشت هاشمی‌رفسنجانی فضای اینترنت از ذکر خیرات و برکات و خاطرات مرحوم آکنده بود و اصل خبر در اوج قرار داشت. درگذشت مرحوم در کمتر از چند ساعت به «خبر نخست»-ترند جهانی- با دو نشانه «هشتگ-هاشمی‌رفسنجانی» و «Rafsanjani» تبدیل شد و افکار عمومی جهانیان را تا ۲ روز درگیر کرد.
مرگ‌امید!
۲- ضدانقلاب و اپوزیسیون خارجی: فضای

تدبیر، امیدهای بر بادرفته و اما برجام!

سعید حاجی‌پور

نقل شده قرار بود معلمی از دانش‌آموزی در درس جغرافیا پیرامون همسایه‌های کشور ایران پرسش کند. سؤال صریح و شفاف بود: مشخصات کشور افغانستان را بیان کنید. دانش‌آموز نگویند بخت که فقط اطلاعاتی از کشور پاکستان در ذهن داشت چاره‌ای می‌انیدند و اینگونه پاسخ می‌دهد. افغانستان کشوری است در شمال پاکستان، و اما پاکستان...
تا همین ماه قبل پاسخ مسئولان دولتی در قبال مشکلات مملکت، متأسفان را به یاد این حکایت می‌انداخت. به چند پرسش و پاسخ فرضی توجه کنید. آیا دولت چاره‌ای برای بیکاری جوانان اندیشیده است؟ یقیناً اشتغال جوانان تحصیلکرده از جمله اولویت‌های اصلی دولت یازدهم است که با مدد برجام قابل حل است و اما برجام... آیا مشکل ریزگردها و هوای آلوده مدنظر دولت است؟ یقیناً ما به سلامت ملت بسیار اهمیت می‌دهیم و با توجه به برجام این معضل به سرعت رو به بهبود خواهد رفت و اما برجام... آیا مشکل آب شرب شهرستان‌ها در این دولت حل خواهد شد؟ یقیناً آب شرب یکی از نیازهای اساسی مردم است که با رعایت به دستاوردهای برجام به سرعت طرح‌های مرتبط با این حوزه آغاز خواهد شد و اما برجام... این عبارات و جملات تنها بخشی از پاسخ‌های خیالی به پرسش‌هایی خیالی بود که البته بی‌ارتباط با واقعیت - و آنچه پرسیده شده و پاسخ داده شده - نیست. حالا دیگر این حکایت به پایان خود نزدیک می‌شود. دیگر خبری از آن فتح‌الفتوح و خورشید تابان نیست و آمریکای کدخدا حسابی زیر توافق زده است. آن هنگام که دولت یازدهم با شعارهای پررنگ و لعابی همچون «تدبیر و امید» سر کار آمد، جماعتی سرخوش از این شعار و دل‌خوش به آینده شدند اما این دوران خیلی به طول بینجامید و زود به پایان رسید. از همان زمان که وعده ۱۰۰ روزه جناب رئیس‌جمهور به پایان رسید و آب از آب تکان نخورد برخی پی بردند دولت راستگویان آنچنان که در شعار، ناطق است، در عمل، صادق نیست. امروز بیش از ۳ سال از آن روزها می‌گذرد و عملکرد اقتصادی دولت تقریباً صدای همه را درآورده است.

بازگشت همه به سوی اوست

جناب آقای دکتر حمیدرضا آصفی

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم

وطن امروز

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲